

دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۲۰)، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صص ۳۴۳-۳۶۷

بررسی ابعاد فرهنگی و مذهبی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

نوع مقاله: پژوهشی

سید محمدرضا موسوی^۱، رحیم نوروزی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۵

چکیده

با توجه به اهمیت دیپلماسی عمومی در روابط و سیاست بین‌الملل، دولت‌ها سعی در بکارگیری هرچه بیشتر از این ابزار جهت پیش‌برد منافع خود دارند و به این منظور در زمینه‌هایی چون قدرت نرم و قدرت هوشمند تمرکز و سرمایه‌گذاری می‌کنند. به دلیل اهمیت موضوع نگارندگان در این مقاله سعی در بررسی ابعاد فرهنگی و مذهبی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی دارند. اولویت و تأکید ایران در دیپلماسی عمومی و به خصوص در آسیای مرکزی تکیه بر پیشینه تاریخی در میان مردم و کشورهای این منطقه و اشتراکات فراوان فرهنگی، تاریخی و مذهبی است. اشتراکاتی همچون دین اسلام، نوروز، هم‌مرزی و موقعیت جغرافیایی نسبت به آنها است. در این راستا، این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که مهم‌ترین جنبه‌های فرهنگی و مذهبی دیپلماسی عمومی ایران در آسیای مرکزی چیست؟ بر این اساس فرضیه این مقاله بیان می‌دارد ایران بیشتر بر پیشینه فرهنگی، تمدنی و مذهبی مشترک با آسیای مرکزی برای پیش‌برد دیپلماسی عمومی خود در این منطقه تأکید می‌ورزد. روش پژوهش مبتنی بر راهبرد پژوهشی توصیفی-تحلیلی است.

واژه‌گان کلیدی: دیپلماسی عمومی، جمهوری اسلامی ایران، آسیای مرکزی، قدرت نرم.

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

moosaviut@gmail.com

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

Rahimnorozi@gmail.com

مقدمه

شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده تا مولفه‌های جدیدی در ساختارهای رسمی بین‌المللی نقش ایفا کنند. پایان جنگ سرد و اولویت‌های امنیتی کشورها، توجه بیشتر به اقتصاد در سیاست‌های جهانی، مطرح شدن بازیگران جدید و اهمیت یافتن افراد و نهادهای غیردولتی در جهان موجب شده است تا کشورها برای تامین منافع ملی خود علاوه بر روش‌های گذشته، ابزارها و راه‌های جدیدی را به کار بگیرند که مهمترین آن را می‌توان بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی دانست.

آسیای مرکزی از جمله مناطقی است که به طور جدی هدف دیپلماسی عمومی سایر کشورها قرار گرفته است. این منطقه پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های خودمختار آن محل تاخت‌وتازهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. بازیگران صاحب نفوذ در این منطقه با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی سعی در هر چه بیشتر کردن نفوذ خودشان در این منطقه و پر کردن خلأهای به وجود آمده پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی داشته باشند تا به وسیله دیپلماسی عمومی اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و مذهبی خود را عملی کنند.

جمهوری اسلامی ایران در آغاز به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی توانست از قدرت نرم خود در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بهره‌برد، به خصوص که هدف اصلی انقلاب اسلامی فرهنگی بود و با شعارها و رویکردهای مشخص اسلامی _ مردمی، معرفی شد و توانست در میان ملت‌های مختلف از جمله در منطقه طرفدارانی داشته باشد. با توجه به این تجربه موفق، جمهوری اسلامی ایران در سال‌های بعد نتوانست نتیجه مطلوب خود را از قدرت نرم ببرد. در رابطه با این موضوع یکی از مهم‌ترین دلایل، حوادث پیش آمده ناشی از جنگ با عراق بود که باعث شد تا مهم‌ترین اولویت ایران، دفاع از سرزمین خود باشد. پس از اتمام جنگ نیز همچنان به دلیل شرایط منطقه، تقویت توان نظامی ایران و قدرت سخت در اولویت مباحث قرار داشت. این در حالی است که در دوران کنونی، منابع قدرت نرم ایران می‌تواند در کنار دیگر منابع قدرت

همچون توان نظامی، امنیتی و اقتصادی در راستای خدمت به منافع ملی قرار گیرد. اهمیت استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم در چهارچوب دیپلماسی عمومی ایران در منطقه و جهان به حدی است که می‌تواند به کاهش تأثیر تبلیغات منفی برخی از کشورها و رسانه‌ها که در سال‌های اخیر علیه ایران به وجود آمده است، کمک کند.

چهارچوب مفهومی

دیپلماسی عمومی

چالش‌ها و تغییرات نظام بین‌الملل و پررنگ شدن نقش بازیگران غیردولتی و افکار عمومی سبب شده تا اشکال جدیدی از دیپلماسی در کنار دیپلماسی سنتی مورد استفاده قرار بگیرد. در این رابطه یکی از دیپلماسی‌های معمول که توسط برخی از کشورها به خوبی به کار می‌رود، دیپلماسی عمومی است. اهمیت دیپلماسی عمومی خصوصاً از جهت ارتقای وجهه‌ی کشور مدنظر است و در واقع سازوکاری برای افزایش قدرت نرم به شمار می‌رود (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۸۶).

با بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران آمریکایی در مورد دیپلماسی می‌توان گفت: دیپلماسی عمومی از منظر ابداع‌کنندگان آمریکایی آن، برنامه‌های طراحی شده توسط یک دولت به منظور اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی در یک کشور دیگر تعریف شده است. مقایسه مؤلفه‌های اساسی این نوع دیپلماسی با دیپلماسی رسمی و سنتی بیانگر تفاوت‌ها در سه محور اساسی است:

یک. دیپلماسی عمومی آشکار و علنی است در حالی که دیپلماسی رسمی و سنتی، پنهان و غیرعلنی است؛ **دو.** مخاطبان دیپلماسی عمومی، گروه‌های هدف خاص و یا عموم مردم جامعه در دل یک ملت دیگرند، در حالی که در دیپلماسی رسمی، مخاطبان دولت‌ها هستند؛ **سه.** موضوعات دیپلماسی عمومی به رفتار و تمایلات عموم مردم در دیگر کشورها مربوط می‌شود،

در حالی که دیپلماسی سنتی با رفتار و سیاست‌های دولت‌ها سروکار دارد (آشنا و جعفری هفت خوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

باید توجه داشت که منطقاً می‌توان دیپلماسی را از حیث ماهیت کنشگران دخیل در آن به سه دسته تقسیم کرد: دیپلماسی دولت با دولت یا دیپلماسی رسمی (که خود دو نوع آشکار و پنهان دارد)، دیپلماسی دولت با مردم یا دیپلماسی عمومی و دیپلماسی مردم با مردم یا دیپلماسی خط دو.

دیپلماسی عمومی نوین

دیپلماسی عمومی نوین^۱ مفهوم دیگری از دیپلماسی عمومی است که کارکردهای خاص خود را دارد و با دیپلماسی عمومی سنتی متفاوت است. این دیپلماسی بر قدرت نرم تکیه دارد و ارتباطی دوطرفه را ایجاد می‌کند که هر یک موجب تقویت دیگری است. در این دیپلماسی عمومی ایجاد نشان^۲ برای یک ملت مورد توجه قرار می‌گیرد و این مفهوم حتی در عرصه‌های الکترونیکی نیز دنبال می‌شود. تفاوت عمده این دیپلماسی با فعالیت تبلیغاتی در این است که دیپلماسی عمومی نوین سیستم ارتباط دوطرفه‌ای را برای گفتگو با دشمنان و دوستان ایجاد می‌کند و با ارائه اطلاعات مستند تلاش می‌کند طرف‌های مقابل را به حمایت از سیاست‌های مورد نظر تشویق کند. اسنو^۳ از جمله افرادی است که معتقد است دیپلماسی عمومی نوین باید برای فراتر رفتن از پروپاگاندا در برگیرنده ارتباط دوسویه باشد. ملیسن^۴ نیز بر این باور است که دیپلماسی عمومی از آن جهت که می‌کوشد مردم را اقناع کند تا به گونه‌ای خاص بیندیشد، شبیه پروپاگاندا است، اما از سوی دیگر چون دیپلماسی عمومی به حرف‌هایی که مردم برای گفتن دارند نیز گوش فرا می‌دهد اساساً با پروپاگاندا متفاوت است. وی عنوان می‌دارد دیپلماسی عمومی به جای تکیه بر ایجاد ارتباط مستقیم یک‌جانبه با ملل خارجی باید بر شکل دادن به روابطی چندجانبه با بازیگران جامعه مدنی به منظور ایجاد شبکه‌هایی بین بخش‌های

1. New Public Diplomacy

2. Brand

3. Snow

4. Milson

غیردولتی متمرکز باشد. دیپلماسی عمومی نوین بر خلاف دیپلماسی عمومی سنتی تنها به وسیله نهادهای حکومتی انجام نمی‌گیرد، زیرا در سطوح داخلی و بین‌المللی مردم را در روند دیپلماسی عمومی وارد می‌نماید (طاهریان، ۱۳۹۴: ۲۳). در مجموع می‌توان ویژگی‌های مهم دیپلماسی عمومی نوین و تفاوت‌های آن با دیپلماسی عمومی سنتی را به قرار ذیل مطرح کرد:

شرایط تحقق	دیپلماسی عمومی سنتی	دیپلماسی عمومی قرن ۲۱ (نوین)
اهداف	به دست آوردن تغییرات سیاسی در کشورهای هدف به وسیله تغییر رفتارها	به جلو بردن اهداف سیاسی و اقتصادی با هدف ایجاد فضایی مستعد و چهره‌ای مثبت از کشور اعمال‌کننده
راهبردها	سیاست‌های مدیریتی ترغیبی	ساخت و حفظ روابط در گیر با توده‌ها
مسیر ارتباط	ارتباط یک‌سویه ^۱	ارتباط دوسویه ^۲
پژوهش	بسیار اندک (در صورت نیاز)	دیپلماسی عمومی مبتنی بر پژوهش، جایی که بازخورد بسیار مهم است.
مدیریت محتوا	ایدئولوژی‌ها منافع اطلاعات	افکار ارزش‌ها همکاری
مخاطبان هدف (مردم)	عموم مردم جامعه هدف؛ دریافت‌کنندگان و ارسال‌کنندگان پیام‌ها	اقتدار جداشده، تعریف‌شده، سیاست داخلی؛ فعالان تأثیرگذار
مجاری	رسانه‌های جمعی سنتی	رسانه‌های جدید و قدیمی؛ اغلب رسانه‌های شخصی سازی شده
بودجه	تأمین شده توسط دولت	شراکت بخش دولتی و خصوصی

¹ monologue

² dialogue

دیپلماسی خط دو

دیپلماسی خط دو فرایندی غیر رسمی و غیر دولتی است که در آن افراد آگاه و صاحب نظر مشارکت دارند و برای کاهش تنش و یا حل مشکل و ایجاد اعتماد و تفاهم به گفتگو و بحث می‌نشینند. دیپلماسی خط دو دارای سه تفاوت عمده با دیپلماسی خط یک است: نخست، فرایندی غیر رسمی است که محدودیت‌های فرایند رسمی را ندارد. به همین لحاظ دارای چارچوبی متفاوت و در عین حال منعطف است؛ دوم، در دیپلماسی خط دو افراد غیر رسمی حضور دارند. در واقع مشارکت کنندگان در این دیپلماسی را معمولاً آگاهان به موضوع و افراد دارای دیدگاه‌های راهبردی و استراتژیک و محققان و فعالان بین‌المللی تشکیل می‌دهند. این افراد معمولاً در موضوع منافع ملی دارای دیدگاهی بلند مدت درباره تحولات و رویدادها هستند، منافع ملی را در چارچوب تعامل با منافع دیگران می‌دانند و بیشتر به نتیجه نهایی علاقه‌مند هستند؛ سوم، گفتگو در دیپلماسی غیر رسمی از تبادل مواضع و استدلال درباره آن‌ها فراتر می‌رود و به عمق موضع‌گیری‌های دو طرف می‌پردازد و نیز اینکه این موضع چه علت یا علت‌هایی دارد، نگرانی‌ها، ترس‌ها، نیازها، اولویت‌ها، محدودیت‌ها، ارزش‌ها و منافع در پس این موضع‌گیری چیست. در واقع در دیپلماسی خط دو، دو طرف تلاش می‌کنند از طریق درک مسایل یکدیگر به این امر واقف شوند که کدام رفتار و یا کدامین ادبیات طرف مقابل را نگران ساخته، او را به واکنش وا می‌دارد. کارکردهای مفید دیپلماسی خط دو به اندازه‌ای است که کشورهای مختلف بزرگ و کوچک برای دفع خطر از خود و تأمین منافع بلند مدت بدان توسط می‌جویند.

اصل مردمی بودن، اصل مدنی بودن، اصل درستی و اعتماد و ارزشی بودن از اصول بنیادی دیپلماسی عمومی هستند. مردم موضوع و داور نهایی دیپلماسی عمومی هستند. دیپلماسی عمومی بر خلاف ظاهر آن امری کاملاً حکومتی نیست. در اجرای دیپلماسی عمومی اقداماتی می‌توانند تأثیر ماندگار داشته باشند و به ایجاد اعتماد و برقراری پیوند میان مردم سایر کشورها با کشور منتهی شوند. در کنار الزامات و اصول حاکم بر دیپلماسی عمومی، سازمان‌ها، ابزارها و

امکانات دیپلماسی عمومی نیز مطرح هست. ارزیابی دیپلماسی عمومی به منظور شناخت میزان کارآمدی و نقاط ضعف و قوت آن و اصلاح برنامه‌ها در مراحل مختلف و به‌روز کردن پیام‌ها امری ضروری است. بررسی مباحث نظری و عملکرد دولت‌ها نشان می‌دهد که کشورها ناگزیرند که به افکار عمومی، نگرش و برداشت مردم دیگر کشورها توجه بیشتری کنند و آن‌ها را در تصمیمات و سیاست‌های خود مدنظر قرار دهند.

دیپلماسی عمومی ایران

در حال حاضر در ساختار سیاسی ایران نهادی با عنوان دیپلماسی عمومی فعالیت نمی‌کند. اما پاره‌ای از فعالیت‌های برخی از نهادها و سازمان‌های دولتی را می‌توان در چهارچوب دیپلماسی عمومی تعریف کرد. در جمهوری اسلامی ایران فعالیت‌های فرهنگی و ترویجی در خارج از کشور، مترادف با به‌کارگیری قدرت نرم و دیپلماسی عمومی برای نیل به اهداف است؛ اما وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اصلی مجری قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ایران را می‌توان الف) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ب) سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ و ج) وزارت امور خارجه، همچون نهادی تنظیم‌کننده و هماهنگ‌کننده در این عرصه معرفی نمود و باز در این بین با توجه به استقلال نسبی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی باید این سازمان را به‌عنوان مسئول اصلی سازمان‌دهی و اجرای روابط فرهنگی و از این رهگذر متولی اصلی قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در جمهوری اسلامی ایران قلمداد نمود که سازمان یاد شده این مهم را به وسیله‌ی رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای دیگر انجام می‌دهد. شایان ذکر است که در تمامی این موارد وزارت امور خارجه مسئولیت تنظیم، هماهنگی و نظارت بر امور فرهنگی برون مرزی ایران را با سایر کشورها بر عهده دارد (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱).

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران دارای سه بعد است:

بعد اول، دیپلماسی رسانه‌ای است که به فضاسازی و تصویرسازی در زمینه سیاست خارجی با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی یا مجازی اهتمام می‌ورزد. صدا و سیما جمهوری اسلامی

ایران و نیز رسانه های مکتوب و مجازی در این زمینه ایفای نقش می کنند. باید اذعان داشت که با توجه به تحول در مخاطبان، کارگزاران و ابزارهای دیپلماسی عمومی، جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی نوین خود تلاش دارد از ابزارهای مدرن رسانه ای اعم از اجتماعی و مجازی و فناوریهای نوین ارتباطی بهره بگیرد. ارائه تصویری دلپذیر از نظام و ارزش های انقلاب اسلامی به ویژه الگوی مردم سالاری دینی و نظام بین الملل چند مرکزی، چند وجهی و چند ضلعی برای مخاطبان یکی از ارکان های دیپلماسی عمومی کشورمان به شمار می رود. از آنجا که نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر آموزهای دینی و اسلامی است برای ارائه تصویری مطلوب از نظام در خارج، و نیز معرفی اسلام ناب و عقلانی در محیط جدید رسانه ای تلاش می کند. دومین جنبه دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی است که به منظور پیشبرد مناسبات فرهنگی با مردم سایر کشورها طرح ریزی می شود. در این زمینه، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران دارای رویکردی تمدنی با ویژگی چند بعدی و چند وجهی است که از قابلیت تاثیرگذاری در حوزه فرهنگی نوروز موسوم به ایران فرهنگی برخوردار است. در این رهگذر، شایسته است ترویج و توسعه زبان فارسی از دو منظر اشاعه فرهنگی و تمدنی و به مثابه ابزار و زبان انتقال پیام انقلاب اسلامی به جهان پیرامونی مورد اهتمام قرار گیرد. یکی از اختصاصات دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فرهنگی آن است که مواردی از قبیل صدور انقلاب و بیداری اسلامی در زمره دیپلماسی عمومی کشورمان به شمار می آید... سومین بعد دیپلماسی عمومی، دیپلماسی مبادله است که بر اساس آن دولتمردان به گسترش مناسبات مردم به مردم موسوم به دیپلماسی شهروندی و نیز تبادلات فرهنگی و دانشگاهی و روابط پایدار با نخبگان دانشگاهی موسوم به دیپلماسی مسیر دو اهتمام می ورزند. بنابراین اقداماتی از قبیل اعزام دانشجو به خارج، پذیرش بورس های تحصیلی، در حوزه دیپلماسی آموزشی و بین المللی سازی آموزش عالی کشور، خبرنگاران اعزامی، فرآیند ارتباطات میان فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره های هنری، همایش ها و سمینارهای فرهنگی و حتی ایجاد سایت های اینترنتی در حوزه دیپلماسی عمومی قرار دارند. در واقع، مهمترین گروه هدف در دیپلماسی عمومی،

نخبگان کشورهای دیگر هستند، چرا که با تاثیرگذاری بر آنها می توان امیدوار بود که آنها خود به اشاعه گران و ترویج کنندگان مقاصد کشورمان تبدیل شوند (دهشیری، ۱۳۹۵: ۱).

جمهوری اسلامی ایران طی چند سال اخیر سیاست‌هایی را در دستور کار خود قرار داده است تا به واسطه آن بتواند قدرت و نفوذ فرهنگی خود را در سطح منطقه‌ای و جهانی افزایش دهد و افکار عمومی مردم را تحت تأثیر قرار دهد. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ارتباط و تعامل با کشورهای منطقه و اسلامی از اولویت ویژه‌ای برخوردار است و تنش‌زدایی منطقه‌ای و کوشش در جهت اعتمادسازی متقابل در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌خصوص با کشورهای جهان اسلام و نیز جهان سوم در محوریت برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

منابع دیپلماسی عمومی ایران

باید توجه داشت که شالوده اصلی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را نظریه «صدور انقلاب» شکل می‌دهد که برگرفته از اصل «دعوت» در آموزه‌ها و ارزش‌های اسلام است و به صورت علنی و رسمی در مجموعه اهداف و رویکردهای سیاست خارجی ایران در نظر گرفته و نیز بازتاب داشته است. جمهوری اسلامی ایران با به کارگیری حداکثر توان خود برای کنترل و مدیریت افکار عمومی در جوامع دیگر، تلاش دارد تا این نگرانی را محقق سازد و دیپلماسی عمومی ایران به مثابه یکی از ابعاد و ابزارهای سیاست خارجی عبارت است از: تلاش سازمان‌یافته برای اثرگذاری بر برداشت‌ها، ارزش‌ها و باورهای دیگر ملت‌ها از طریق تبیین و گسترش هنجارهای اسلامی و انقلابی. جمهوری اسلامی ایران این هدف را با به کارگیری منابع فرصت‌ساز «قدرت نرم» خویش در چهارچوب دیپلماسی عمومی پیگیری می‌کند. در ادامه به برخی از این منابع و دستاوردهای آن اشاره می‌کنیم:

الف. زبان

هرچند زبان فارسی به طور رسمی تنها در کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان عمومیت دارد، در کشورهایی نظیر: عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان نیز گروهی از مردم به این زبان

سخن می‌گویند و نفوذ آن در زبان‌های دیگر مانند: ترکی، هندی، اردو، ارمنی، گرجی، سواحیلی و ... انکارناپذیر است. در مجموع بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در دنیا به زبان فارسی تکلم می‌کنند و در ساختار زبانی بیش از ۲۰۰ میلیون ترک، ترکمن، ازبک و اردو زبان، از فارسی سهم اساسی دارند. از سوی دیگر، بدون زبان مشترک، تداوم فرهنگی امکان‌پذیر نیست و فرهنگ به نسل‌های بعدی منتقل نمی‌شود. به همین دلیل، زبان از یک‌سو ساخته فرهنگ و از سوی دیگر، سازنده آن است. از آنجا که یکی از مهم‌ترین راه‌های گفتگو، جذب و اقناع دیگران - به‌مثابه اساس دیپلماسی عمومی - بهره‌گیری از زبان مشترک است، زبان فارسی فرصت‌های فراوانی را در این عرصه پیش روی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۰).

ب. تمدن و فرهنگ

در مباحث مربوط به هویت و شخصیت ایرانی و روح فرهنگی و تمدنی ملت باستانی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است که جمهوری اسلامی می‌تواند به نمایش و عرضه ارزش‌ها و خاصه‌های فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی به‌عنوان ملتی متمدن و با فرهنگ سازنده و زاینده پردازد. نمایش و ترویج ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران با ملت‌های منطقه و تاثیرگذاری بر نخبگان علمی - فرهنگی کشورهای منطقه و همچنین فراهم ساختن بستر و زمینه لازم برای برقراری تماس با افکار عمومی این کشورها از جمله مواردی هستند که با به‌کارگیری هویت و تمدن ایرانی می‌توانند به تقویت دیپلماسی عمومی کشور کمک نمایند (حسینی، ۱۳۹۲: ۶۸۷).

به‌طور کلی مولفه تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی در بعد خارجی حائز اهمیت می‌باشد. در این مورد تقویت عناصر تمدن ایرانی همچون اسطوره‌ها، آئین‌های کهن، زبان و فرهنگ به‌ویژه در مناطقی که در حوزه تمدنی ایران قرار دارند می‌تواند موجب همبستگی بیشتر میان مردمان این مناطق شود. از جمله مهم‌ترین آئین‌های ایرانی که برای برنامه‌ریزی در جهت تقویت وجهه

ایرانی و قدرت نرم ایران در جهان مناسب است، نوروز است که اولین و مهمترین دستاورد، ثبت نوروز به عنوان میراث جهانی در یونسکو بود.

ج. فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و شیعی

آموزه‌ها و ارزش‌های دینی که هسته اصلی فرهنگ و هنجارهای فردی و اجتماعی ایرانیان را شکل می‌دهد، مبتنی بر فطرت بوده و پایداری در خور توجهی در مقایسه با دیگر منابع قدرت نرم دارند. از سوی دیگر، فرهنگ اسلامی، گزاره‌های ارزشی و هنجارهای مشترکی میان ایران و بسیاری از جوامع و مردم در کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای مسلمان پیش‌رو می‌نهد که زمینه مناسبی را برای درک متقابل و همبستگی و همراهی با اهداف جمهوری اسلامی ایران فراهم کند.

مهمترین رابطه میان هویت دینی ایرانیان و به‌کارگیری دیپلماسی عمومی به هویت کشورهای منطقه مربوط می‌شود که ایران با تاکید بر هویت اسلامی خود در منطقه و همکاری‌های مشترک فرهنگی با کشورهای منطقه می‌تواند به تقویت دیپلماسی عمومی و افزایش قدرت نفوذ معنوی‌اش کمک نماید (حسینی، ۱۳۹۲: ۶۸۸). بدیهی است که مؤلفه تشیع و ارتباط ایران با شیعیان جهان نیز یکی دیگر از توانایی‌های ایران در عرصه قدرت نرم است. با این حال در این مورد برنامه‌ریزی و جهت‌گیری‌های ایران می‌بایست به گونه‌ای باشد که موجب حساسیت کشورهای اسلام اهل سنت منطقه نشود.

ابزارها و اقدامات ایران در زمینه دیپلماسی عمومی

الف. فعالیت‌های آموزشی و جذب دانشجویان در ایران

یکی از سیاست‌هایی که در قالب دیپلماسی عمومی ایران مورد توجه قرار گرفته، بحث آموزش و پذیرش دانشجویان خارجی است. جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سرمایه‌گذاری بلندمدت برای مهار افکار و جذب علایق نخبگان جهان اسلام در راستای امنیت و منافع ملی خویش پرداخته است. از جمله در زمینه مبادله‌های علمی، دانشجویان

بسیاری از کشورهای جهان اسلام برای تحصیل در ایران پذیرفته شده‌اند. بخشی از این دانشجویان که از کشورهای عربی وارد ایران می‌شوند، در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین مشغول به تحصیل هستند همچنین برخی نهادها و موسسه‌ها با همکاری برخی دانشگاه‌ها به جذب و پذیرش دانشجویان از کشورهای منطقه می‌پردازند. برای نمونه بنیاد ایران شناسی با همکاری دانشگاه شهید بهشتی دانشجوی ایران شناسی می‌پذیرد. اما بزرگ‌ترین نهاد ایرانی در زمینه جذب و پذیرش دانش پژوه از جهان اسلام را باید «جامعه‌المصطفی العالمیه» دانست. جامعه‌المصطفی نهادی علمی - حوزوی بین‌المللی است که تلاش می‌کند پاسخگوی نیاز علاقه‌مندان معارف اسلامی و ایجاد کننده خیزشی جدید در نظریه‌های اسلامی در جهان اسلام باشد. بر اساس اعلام پایگاه رسمی اطلاع رسانی، این نهاد به نام پیامبر اسلام مزین شده تا هیچ دافع‌ای را در میان مخاطبان مسلمان ایجاد نکند. همچنین دو هدف مهم و نهایی این نهاد عبارتند از: تربیت مجتهدان، پژوهشگران، مدرسان، مبلغان و دانشمندان اسلامی پارسا و متعهد و نیز تبیین و تعمیق اندیشه قرآنی و اسلامی و گسترش نظریه‌های اسلامی و معارف الهی و انسانی. برخی از مراکز وابسته به جامعه‌المصطفی در ایران عبارتند از: مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی، موسسه آموزش عالی مذاهب اسلامی، موسسه آموزش عالی علوم انسانی، موسسه آموزش عالی بنت‌الهدی (ویژه خواهران)، موسسه آموزش‌های کوتاه مدت و فرصت‌های مطالعاتی، دانشستان المصطفی (ویژه آموزش‌های مجازی و غیرحضور)، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، مرکز تخصصی زبان و فرهنگ (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۶).

ب. توریسم مذهبی

توریسم مذهبی در زمره قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین گردشگری‌های گذشته و حال سراسر جهان قرار دارد. که دشواری‌های اقلیمی و بدی آب و هوا نیز مانع آن نمی‌شود. در تعریفی از گردشگری مذهبی آمده: توریسم مذهبی عبارتند از بازدید گردشگران از اماکن مقدس نظیر زیارتگاه‌ها، مقابر امامزاده‌ها و نظایر آنها.

مذهب نقش مهم و برجسته‌ای در شکل‌گیری بسیاری از شهرهای ایران داشته است. به طور مثال مشهد، قم، ری و شیراز و در این شهرها قابلیت‌های فراوانی برای جذب گردشگران مذهبی وجود دارد. این در حالی است که علاوه بر اماکن و زیارتگاه‌های مذهبی اسلامی، زیارتگاه‌های غیر اسلامی بسیار معروف و با شهرتی جهانی نیز در ایران وجود دارند که زیارتگاه «چک چک» در یزد، کلیسای «وانک» در اصفهان و «قره کلیسا» در آذربایجان غربی از آن جمله هستند (آقاجانی و فراهانی فرد، ۱۳۹۴: ۵۲).

ایران به لحاظ جاذبه‌های توریستی یکی از ممتازترین مناطق جهان است. در ایران به دلیل دارا بودن موقعیت ویژه فرهنگی-مذهبی، بستر مناسبی برای رشد و توسعه گردشگری زیارتی فراهم است. طبق آمار تاکنون ۸ هزار و ۹۱۹ مکان مذهبی مقدس در کشور شناسایی شده است. تنوع مراکز، آثار، ابنیه تاریخی و عبادتگاه‌های ادیان مختلف باعث شده تا ایران قابلیت جذب گردشگر را در بیشتر حوزه‌های مذهبی دنیا داشته باشد. علاوه بر اماکن اسلامی، معابد، کلیساها و اماکن مقدس سایر ادیان در ایران می‌تواند کشور را به مقصد بسیاری از گردشگران مذهبی تبدیل نماید.

اثرات مثبت توریسم زیارتی انکارناپذیر است و می‌تواند آن‌ها را به‌عنوان یکی از مروجین فرهنگ ایرانی به کشورشان بدرقه نماید و نوعی حس پیوستگی و همدلی با مردم ایران برای آن‌ها ایجاد نماید.

از اقدامات دیگر جمهوری اسلامی ایران در راستای گسترش اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و فرهنگ سازی در میان سایر ملل موارد زیر حائز اهمیت می‌باشند:

- برپایی مراسم هفته وحدت
- برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) با حضور هیئت‌ها و میهمانان خارجی به‌خصوص از جهان اسلام و برگزاری سمینارها، کنفرانس‌ها و همایش‌ها در کشورهای مختلف
- برگزاری همایش قرآن کریم باهدف وحدت امت اسلامی و توسعه فرهنگ قرآنی
- برگزاری نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم

- برپایی سمینار و همایش جنبش‌های آزادی‌بخش و بیداری اسلامی و همایش اندیشه اسلامی
 - برپایی سمینار بین‌المللی کارکردهای حج و هم‌اندیشی حج و جهانی‌شدن
 - برگزاری سمینارهای بین‌المللی گفتگوی اسلام و مسیحیت
 - برگزاری کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی
 - صدور فیلم‌های دارای محتوای فرهنگی غنی و اسلامی و تلاش در جهت گسترش زبان فارسی
 - فعالیت انجمن‌های اسلامی-دانشجویی ایران در خارج از کشور
 - برگزاری جشنواره‌های فیلم، عکس، کتاب و فروش فیلم
 - ترجمه کتاب و ترتیب نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب و ارسال کتب و نشریات دینی و آموزشی
 - بورسیه نمودن طلاب و دانشجویان از کشورهای اسلامی و بازگشت آن‌ها به وطن و ترویج و تبلیغ اسلام با نگرش‌های ایرانی و انقلابی.
 - تقویت همکاری علمی بین دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشورهای مسلمان و سرعت و عمق‌بخشی به جریان تولید اندیشه اسلامی
 - ایجاد مؤسسات خیریه فرهنگی
 - اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس و برپایی کنفرانس‌های بین‌المللی بزرگداشت قدس
 - راه‌اندازی شبکه‌های العالم، پرس تی وی، سحر، جام‌جم (تاجیک، ۱۳۹۵: ۶۳).
- در جمهوری اسلامی ایران نهاد مشخصی برای هدایت و گسترش دیپلماسی عمومی وجود ندارد و سازمان‌ها و مراکزی هم که در این زمینه مشغول هستند تفکیک و تخصیص وظایف مشخصی بین‌شان صورت نگرفته است و هر کدام به تشخیص خودشان کمیت، کیفیت و نوع فعالیت‌شان را در این زمینه مشخص می‌کنند، اما با توجه به جذابیت‌های بالا فرهنگ و تمدن ایرانی و تلاش‌های موجود تا حدی نیازهای دیپلماسی عمومی کشور را برآورده کرده است. همچنین با توجه به اهمیتی که اسلام برای ملت‌ها و افکار عمومی قائل است و تلاش برای وحدت و همبستگی میان امت اسلامی، برقراری روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز با جهان و دعوت

به اسلام که بعد از انقلاب اسلامی به عنوان اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مدنظر قرار گرفته شده است. همچنین در دوره‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر نقش ملت‌ها در صحنه روابط بین‌الملل تأکید و مورد توجه قرار گرفته است.

دیپلماسی عمومی ایران در آسیای مرکزی

در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی زمانی که کشورهای آسیای مرکزی مستقل شدند، سیاست امنیتی و خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز به نسبت سال‌های پس از انقلاب تغییر نمود و در این وضعیت، ایران به مانند سایر بازیگران بین‌المللی شاهد آن بود که فروپاشی شوروی خلأیی در قسمت جنوبی آن کشور ایجاد نموده که ناگزیر توسط برخی قدرت‌های خارجی پر می‌شد. پس از فروپاشی شوروی ایران نیز در راستای ایجاد روابط استراتژیک بیشتر بر منافع اقتصادی تمرکز داشته است. همچنین باید ذکر کرد ایران به دلیل مجاورت، مذهب، روابط فرهنگی و در مواردی اشتراکات قومی پیوندی ناگسستنی با آسیای مرکزی و قفقاز دارد. سیاست جمهوری اسلامی ایران در این منطقه بیشتر بر همکاری‌های همه‌جانبه، اعتمادسازی، صلح پایدار، بهره‌برداری عادلانه از منابع طبیعی و تبدیل این منطقه به منطقه‌ای باثبات استوار است.

در سطح تحلیل منطقه‌ای و گسترده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، کشور ما از توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالا و به مراتب بهتری نسبت به رقبای خود بهره‌مند است. وجود امتیازاتی چون هم‌آیندی و هم‌کیشی؛ قرابت جغرافیایی؛ اشتراکات فرهنگی-تاریخی؛ اشتراکات زبانی و قومی با برخی از اقوام و حضور ایرانیان مقیم که ایران را به آسیای مرکزی پیوند داده است، بسترهای مناسبی را جهت اعمال و تأثیرگذاری قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این منطقه فراهم نموده است. فرهنگ ایرانی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی همواره غالب بوده است و نباید تردید کرد که اگر بخواهیم مناطق مختلف جهان را از حیث تأثیرپذیری از فرهنگ ایرانی دسته‌بندی کنیم، آسیای مرکزی و قفقاز در رأس آن مناطق قرار خواهند داشت. بر این اساس، تأکید بر مشترکات می‌توانند در توسعه همگرایی بیشتر

فرهنگی میان ایرانیان کشورهای آسیای مرکزی تأثیر به‌سزایی داشته باشد؛ به‌ویژه آنکه بازیابی هویت گذشته، جز برنامه‌های بلند مدت هر یک از این کشورها قرار دارد و تلاش جهت شناساندن گذشته‌ای روشن بر پایه مؤلفه‌های هویتی آنان، راه نزدیکی برای رسیدن به همگرایی بیشتر فرهنگی است (ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۶).

از این‌رو، همگرایی فرهنگی و تأکید بر مطالعات متقابل میان فرهنگی و تمدنی ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی به‌عنوان پیش‌شرط لازم برای همگرایی فرهنگی، برآورنده منافع سیاسی ایران در قبال اتخاذ رویکردی فرهنگی است. این در حالی است که مردم و دولت‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز نسبت به گسترش روابط فرهنگی با ایران حساسیت خاصی از خود نشان نمی‌دهند. بنابراین باید ضمن اجتناب از ملی‌گرایی فارسی به منظور جلوگیری از برانگیخته شدن احساسات ملی‌گرایانه ضد ایرانی در آسیای مرکزی و تحریک رقبا، به گونه‌ای ظریف و هوشمندانه اقدام به تقویت قدرت ایران از طریق اقدامات نرم‌افزاری در جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز نمود. همچنین باید به خاطر داشت که بازیگران بازی بزرگ جدید در طول جنگ سرد جدید، جهت پیشبرد اهداف خویش در آسیای مرکزی تنها بر قدرت سخت و قابلیت‌های نظامی و اقتصادی خود تکیه نکرده‌اند بلکه تلاش مضاعفی را در راستای جذب ملت‌ها و قومیت‌های منطقه از طریق اعمال قدرت نرم و دیپلماسی عمومی به نمایش گذاشته‌اند. انقلاب‌های رنگی در اوراسیا نشانه‌ای بارز از کاربرد قدرت نرم جهت کاهش هزینه‌های ناشی از قدرت سخت از سوی غرب در منطقه می‌باشد (تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۲۹).

جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در منطقه آسیای مرکزی همه جوانب همکاری‌ها (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) را با یکدیگر دنبال نماید زیرا این عوامل مکمل یکدیگر بوده و نادیده انگاشتن یکی از موارد فوق به طور یقین به موفق نشدن عوامل دیگر منتهی می‌شود. هر چند به باور بسیاری از کارشناسان، مهم‌ترین ظرفیت جمهوری اسلامی ایران، استفاده از پیشینه تاریخی، زبانی و دینی مشترک است، اما نباید این مهم را از نظر دور داشت که این کشورها با مشکلات عدیده سیاسی، امنیتی و قومی روبه‌رو بوده و دولت‌های آن‌ها به سمت کشورهایی که قصد

سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و همکاری‌های امنیتی با آن‌ها را داشته باشند، متمایل می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران با سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و گسترش روابط سیاسی می‌تواند پیوندهای حیاتی و استراتژیک را با دولت‌های منطقه برقرار کرده و به موازات جلب اعتماد دولت‌ها با استفاده از دیپلماسی فرهنگی که بر پایه مشترکات زبانی، تاریخی و هویتی بنا شده به اقناع مردم منطقه و جذب آن‌ها در حول محور فرهنگ مشترک مبادرت ورزد (تاجیک، ۱۳۹۵: ۹۴).

الف. مراکز و نهادهای علوم دینی

ظرفیت مهمی که به‌عنوان قدرت نرم می‌توان از آن یاد کرد عامل ارزش‌های اسلامی و شیعی است. همچنین مسئله مرجعیت و مراکز دینی در ایران می‌تواند در جذب مسلمانان به ایران برای فراگیری علوم دینی بسیار حائز اهمیت باشد. هر قدر این مسئله توسعه یابد، عمق استراتژیک ایران در جغرافیای اندیشه ورزی در جهان اسلام افزایش می‌یابد.

در این ارتباط شایان ذکر است که در آستانه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، زمانی این پرسش مطرح شد که شورای دینی مسلمانان آسیای مرکزی که بین تمام جمهوری‌های آسیای مرکزی مشترک بود حفظ شود یا نه، رهبران سیاسی سکولار همگی به نفع تجزیه آن به «دارالافتاء» رأی دادند. از زمان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به بعد، مقامات جمهوری آسیای مرکزی رویکرد خصمانه‌تری را در قبال اسلام علی‌الخصوص سلفی‌گری در پیش گرفتند؛ برای مثال، در ازبکستان مسجد جامع اندیجان تبدیل به موزه هنری شد و دومین مسجد بزرگ این شهر نیز به مرکزی برای کودکان بی‌سرپرست شد (Eshmuradov, 2003). کنترل شدید مساجد از جمله اعمال انجام شده توسط دولت تاجیکستان بوده و در شرایط کنونی تمامی مساجد این کشور تحت کنترل مأموران امنیتی قرار دارد (Baran and Starr, 2006: 2). در آوریل ۲۰۰۴، در قرقیزستان رئیس‌جمهور این کشور فرمانی را صادر کرد که به موجب آن، از سازمان‌های امنیتی ملی خواسته شد به منظور محدود کردن فعالیت‌های مبلغان مذهبی و حتی جلوگیری از آن‌ها که به ترویج افراط‌گرایی مذهبی و تفکرات سلفی‌گری می‌پردازند، اقداماتی را صورت دهند (Abramson, 2010: 27). به همین دلیل و شرایطی

که وضعیت را برای تحصیل علاقه‌مندان به علوم دینی در آسیای مرکزی تنگ کرده است، ایران که پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان هم‌جوار با آسیای مرکزی است و از مراکز آموزش علوم دینی گسترده و وسیعی برخوردار است، پتانسیل بالایی برای جذب و آموزش طلاب علوم دینی از آسیای مرکزی دارد.

ب. توریسم فرهنگی و مذهبی

از مهمترین راه‌های آشنا نمودن مردم کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری اسلامی ایران با فرهنگ و آداب و رسوم مشترکی که بسیاری از آن‌ها فراموش شده است، توسعه و گسترش هرچه بیشتر توریسم فرهنگی و مذهبی میان اتباع کشورهای منطقه است. محیا کردن امکان حضور مردم منطقه در شهرهایی همچون اصفهان و شیراز که فرهنگ ایرانی-اسلامی در آن‌ها نمود بیشتری دارد، و نیز فرهنگ سازی در زمینه گسترش تمایل مردم جمهوری اسلامی ایران به مسافرت به شهرهای تاریخی و گاه افسانه‌ای تمدن ایران زمین مانند سمرقند و بخارا، زمینه‌ساز گسترش جریان سازی فرهنگی و هنری می‌گردد. یکی از راه‌های گسترش توریسم فرهنگی و مذهبی تأسیس شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و همچنین راه‌اندازی وب سایت‌های مختص آسیای مرکزی که با تمرکز بر روشنگری در زمینه تاریخ و فرهنگ به احیای هویت ایرانی-اسلامی کهن مردم منطقه بپردازد. همچنین ساخت فیلم‌ها و نوشتن کتاب‌ها از دوران تاریخی مشترک مردم منطقه و نیز به تصویر کشیدن زندگینامه مفاخر بزرگی که ادعاها و اختلاف‌هایی در زمینه ملیت آن‌ها وجود دارد به طور حتم در رسیدن به حس مشترک و کاهش اختلاف‌های موجود مؤثر خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در کشورهای اسلامی همواره مورد مناقشه بوده است، جایگاه دین در جامعه می‌باشد. در کشورهای به جا مانده از اتحاد جماهیر شوروی به‌ویژه در آسیای مرکزی بعد از فروپاشی رژیم کمونیستی، این مسئله اهمیت زیادی داشته است. دین اکثریت مردم آسیای مرکزی اسلام است و در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد مردم، مسلمان و حنفی‌مذهب هستند. در این میان جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با طرح و معرفی تمدن ایرانی-

اسلامی در راستای همگرایی منطقه‌ای و جهان اسلام گام مؤثری در تداوم روند تنش‌زدایی و اعتماد سازی بردارد. در شرایط جدید، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان محور سیستم فرعی تمدن فارسی شامل افغانستان، تاجیکستان و همچنین پیوند دادن آن با جهان اسلام، یعنی بخش غیرعربی می‌تواند به‌عنوان وحدت دهنده جهان اسلام ایفا کننده نقش حساسی در منطقه باشد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۳). جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اقداماتی همچون مبلغان دینی جهت معرفی چهره واقعی اسلام، گسترش توریسم مذهبی و فراهم آوردن زمینه سفر مردم و نخبگان منطقه به شهرهای مذهبی جمهوری اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی به اصلاح چهره مخدوش اسلام میان مردم و نخبگان بپردازد. تنها با صرف بیان تأثیر دین بر پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، انتشار کتاب و سخنرانی نمی‌تواند چهره مخدوشی که دشمنان از دین اشاعه داده‌اند را اصلاح نمود و این مهم تنها با مشاهده مستقیم جامعه امکان‌پذیر است.

ج. نوروز

نوروز یکی از مولفه‌های شاخص فرهنگ و هویت ایرانی است. جشن نوروز، هویت ملی ایرانیان را نشان می‌دهد و نشان دهنده علایق، فرهنگ و تعلقات قومی آن‌ها به حساب می‌آید. نوروز مراسمی قدیمی و دارای پیشینه‌ای دینی است. امروزه در کشورهای متعددی نوروز به‌عنوان جشن‌های ملی برگزار می‌شود. این آیین نه تنها نقش بزرگی در شکل‌گیری هویت و همبستگی اقوام ایرانی ایفا می‌کند بلکه می‌تواند رشته پیوند همه کسانی باشد که خارج از مرزهای جغرافیایی امروز ایران، به نوروز عشق می‌ورزند و آن را محترم می‌شمارند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۳). عید نوروز برای مردم تاجیکستان به‌ویژه مردم بدخشان عید ملی نیاکان است و از آن به‌عنوان عید بزرگ یاد می‌کنند. ترکمنستان یک سال پس از کسب استقلال در سال ۱۹۹۲ نوروز را به‌عنوان یکی از اعیاد ملی خود اعلام کرد و از سال ۲۰۰۳ تعطیلات نوروز به ۳ روز افزایش یافت. نوروز نام سومین ماه در تقویم قزاقی است و برای مردم این کشور، اهمیتی برابر با عید فطر و عید قربان دارد. تعطیلات نوروز در این کشور سه روز است، اما بزرگداشت آن به

مدت یک ماه ادامه دارد. نوروز در قرقیزستان، نوروز بایرام نام دارد. در این کشور روز اول فروردین روز گردش ملی نیز نامیده شده و گرامی داشته می‌شود. در ازبکستان نوروز ییلباشی و جیلباشی نیز خوانده می‌شود و به‌عنوان یکی از اعیاد ملی مورد احترام و شناسایی قرار می‌گیرد و به همین مناسبت یک روز تعطیل رسمی است.

فارغ از آنکه در مناطق گوناگون با رسوم خاص و آداب ویژه‌ای نوروز را پاس می‌دارند، نکته اساسی در پیوند فرهنگی این مناطق با سرزمین ایران است که می‌تواند رشته‌های گسست‌ناپذیری میان ایرانیان و مردمان این سرزمین‌ها به وجود آورد. در واقع بزرگداشت نوروز در تمامی کشورهای آسیای مرکزی نشان از میزان تأثیرپذیری آن‌ها از فرهنگ ایرانی دارد که می‌تواند زمینه مناسبی جهت تسهیل روابط سیاسی فراهم سازد و به‌عنوان یکی از عوامل وحدت بخش ساکنان ایران زمین (فلات ایران) به شمار آید (میرزایی، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۲).

د. موسسه فرهنگی اکو

باید توجه داشت ماهیت سازمان اکو اقتصادی است، اما طی سال‌های اخیر سعی بر آن است تا جنبه‌های فرهنگی اکو نیز مورد توجه قرار گیرد. کشورهای عضو اکو از نظر فرهنگی دارای ریشه و سابقه طولانی هستند و از این‌رو توجه بیش‌ازپیش به ویژگی‌های فرهنگی این سازمان می‌تواند راه را برای توسعه‌ای پایدار در منطقه پدید آورد. برگزاری اجلاس‌های وزیران فرهنگی اکو، انتشار مجلانی به زبان‌های مختلف از جمله به زبان فارسی، روسی و انگلیسی و نیز فصلنامه‌ای به زبان انگلیسی، ایجاد اتحادیه کتابخانه‌های ملی و آرشیوهای ملی کشورهای عضو که منبع اصلی اطلاع‌رسانی مکتوب در هر کشوری می‌باشد، تلاش در جهت ایجاد اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های کشورهای عضو و تأسیس خبرگزاری اکو از جمله اقدامات صورت گرفته در سازمان اکو جهت ارتقای ارتباطات فرهنگی می‌باشد.

در حال حاضر اکو تنها موسسه منطقه‌ای و بین‌المللی است که مقر آن در جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و بیش از ۲۰ درصد کارکنان حرفه‌ای سازمان ایرانی هستند. بنابراین دامنه آزادی عمل و محدوده تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در تصمیم‌های این سازمان بیش از

هر سازمان دیگری است (شهابی، شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). لذا فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های بالقوه اکو به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی بیش از سایر کشورهای عضو است که تنها نیازمند شناسایی و به فعلیت رسیدن می‌باشد. توجه به نخبگان علمی و فرهنگی جمهوری‌های آسیای مرکزی و تبادل هیئت‌های علمی، فرهنگی و هنری، ترویج و گسترش زبان فارسی در برخی از این کشورها به‌ویژه تاجیکستان و قزاقستان از طریق تأسیس اتاق‌های جمهوری اسلامی ایران، افزایش و تقویت کرسی‌های زبان فارسی، برگزاری دوره‌های دانش افزایی، معرفی و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی از طریق برگزاری هفته‌های فیلم، موسیقی، نمایشگاه، شب‌های شعر، چاپ و توزیع کتاب، بخشی از این دستاوردها بوده است (عابدینی، ۱۳۸۴: ۴۴).

در مجموع به نظر می‌رسد اتخاذ رویکردها و اقدامات مناسب و تاثیرگذار برای تعمیق و گسترش هرچه بیشتر روابط فرهنگی و مذهبی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی لازم و ضروری است که اهم آنها به شرح زیر می‌باشد:

- گسترش و توسعه همگرایی فرهنگی و پایدارسازی خصیصه‌های فرهنگی،
- پیشگیری از شکل‌گیری تنش‌های خزننده و تلاش در جهت اعتمادسازی،
- افزایش همکاری علمی از قبیل تبادل استاد و دانشجو و برقراری کنفرانس‌های علمی مشترک،
- انطباق رفتارها و برنامه‌های فرهنگی بر ظرفیت محیط فعالیت،
- تأکید بر مناسبت‌های خاص مثل نوروز و اعیاد مذهبی و معرفی آن به جوانان این کشورها از طریق ارائه برنامه‌های فرهنگی، فیلم‌های سینمایی و غیره،
- اصلاح برداشت‌های نادرست از محتوای فرهنگ اسلامی _ ایرانی و ارائه چهره واقع بینانه از ایران و اسلام از طریق مطبوعات،
- تأسیس و گسترش کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های کشورهای آسیای مرکزی،
- تأسیس موزه‌های ایران شناسی در کشورهای منطقه،

نتیجه گیری

در حال حاضر، با توجه به تغییرات گسترده و شتابان در نظام و روابط بین‌الملل، نقش‌یابی مؤلفه‌ها و بازیگران جدید در روندهای بین‌المللی، ضرورت به کارگیری ابزارها و رویکردهای جدید برای تأمین و به حداکثر رساندن منافع، اهمیت دیپلماسی عمومی نیز چند برابر شده است و این حوزه در ارتباطی نزدیک با قدرت نرم به عنصری تاثیرگذار در سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است.

با بررسی اقدامات و رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از فعالیت‌ها در حال انجام است که می‌توان تعدادی از آن‌ها را در چهارچوب دیپلماسی عمومی تعریف کرد. اقدامات رسانه‌ای ایران و پخش برنامه‌های فرامرزی به زبان‌های اسپانیایی، عربی و انگلیسی در قاره‌های مختلف جهان، آموزش زبان فارسی در داخل و خارج از کشور، فعالیت‌های فرهنگی سفارت‌خانه‌های ایران در کشورهای مختلف و تلاش‌های صورت گرفته برای جذب دانشجویان خارجی در ایران، همگی قسمت‌هایی از فعالیت‌هایی هستند که در غالب دیپلماسی عمومی تعریف می‌شوند. با توجه به این موارد به نظر می‌رسد این فعالیت‌ها به صورت پراکنده و بدون هماهنگی انجام می‌شود و هیچ سازوکار و نهاد مشخص و تعریف شده‌ای برای هدایت و کنترل این اقدامات وجود ندارد. سازمان‌ها و نهادهای گوناگون دولتی بنا بر تعاریف درون سازمانی خود، برخی از این اقدامات را انجام می‌دهند. متأسفانه باید ذکر کرد در رابطه با این موضوع برنامه جامعی وجود ندارد و اهداف مشخص و کلان تعریف نشده است.

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به خصوص در آسیای مرکزی بیشتر مبتنی و با تأکید بر پیشینه فرهنگی و تاریخی مشترک و قرابت و نزدیکی جغرافیایی است و در این سال‌های به دلیل گسترش اسلام رادیکال و شبکه‌های آموزشی آنان در آن منطقه، دید مردم و دولت‌های آنجا نسبت به اسلام سیاسی ایران بهبود یافته است. اشتراکات فرهنگی مثل نوروز، حضور و تأثیر زبان فارسی در آسیای مرکزی و پیشینه تاریخی مشترک، محورهای

اصلی و تاثیرگذار دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در میان ملت های آسیای مرکزی است که با به کارگیری آنان می توان نقش منفی و مخرب کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای مثل روسیه، ترکیه، عربستان و ایالات متحده را تا حد زیادی خنثی کرد و ذهنیت موجود نسبت به ایران که تصویری تجاوز طلب و زیاده خواه که سالیان سال سرزمین های ملت های آسیای مرکزی را اشغال کرده بوده را بهبود ببخشد.

منابع

- (۱) ابراهیمی ترکمان، ابوزر (۱۳۸۵). «نقش فرهنگ در توسعه روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی»، اطلاعات، ۳ مرداد.
- (۲) اسماعیلی، مرتضی (۱۳۹۵). «دیپلماسی عمومی؛ اصل اساسی در سیاست خارجی ایران»، قابل دسترس در ۱۸ خرداد ۱۳۹۵ در <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=3992>
- (۳) آشنا، حسام‌الدین و جعفری هفت خوانی، نادر (۱۳۸۶). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف»، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵.
- (۴) آقاجانی، معصومه و فراهانی فرد، سعید (۱۳۹۴). «گردشگری مذهبی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی ایران)»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۳، شماره ۹.
- (۵) تاجیک، علی (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی دیپلماسی عمومی ایران و روسیه در آسیای مرکزی از ۱۹۹۱ تا کنون، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل.
- (۶) تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸). «تحلیلی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی در مقایسه با خاورمیانه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۷.
- (۷) حافظ‌نیا محمدرضا؛ شمس دولت‌آبادی، محمود و افشردی، محمد حسین (۱۳۸۶). «علائق ژئوپلیتیک ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش‌رو»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳.
- (۸) حسینی، محمد حسین (۱۳۹۲). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۳.
- (۹) درخشه، جلال و مصطفی غفاری (۱۳۹۰). «دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت‌ها، اولویت‌ها و دستاوردها»، مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۴۸.
- (۱۰) دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۵). «چهار بعد دیپلماسی عمومی ایران»، وب‌سایت دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در <http://www.irdiplomacy.ir>
- (۱۱) ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- (۱۲) شهابی، سهراب و شیخ‌الاسلامی، محمدحسین (۱۳۸۶). «آیا می‌توان در انتظار موفقیت آکو ماند»، فصلنامه سیاست، شماره ۳.
- (۱۳) طاهریان، محمدحسین (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا در آمریکای لاتین (دوره جورج بوش و باراک اوباما)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل.

۱۴) عابدینی، محمدحسین (۱۳۸۴). «فعالیت‌های فرهنگی دولت‌های خارجی در آسیای مرکزی»، دوماهنامه ایراس، شماره ۴.

۱۵) میرزایی، علی (۱۳۸۸). «نگاهی به جایگاه نوروز در آسیای مرکزی»، دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا، شماره ۲۷.

۱۶) نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۵). «نوروز، سیاست و روابط بین‌الملل»، همشهری دیپلماتیک، سال اول، شماره ۱۲.

۱۷) هادیان، ناصر و احدی، افسانه (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره ۳.

- 1) Abramson, David (2010). "Foreign Religious Education and the Central Asia Islamic Revival: Impact and Prospects for Stability", Institute for Security and Development Policy, Johns Hopkins University.
- 2) Baran, Zeno. Starr, Fredrick and Cornell, Svante (2006). "Islamic Radicalism in Central Asia And The Caucasus: Implications for the EU", John Hopkins University, Central Asia And The Caucasus Institute, Silk Road Studies Program Paper.
- 3) Eshmuradov, Rustam (2013). Retrieved in 17 May 2016 from <https://goo.gl/I1gvnt>